

طبله

روزنامه

تاریخ

۱۸

اردیبهشت

۱۳۹۷

سه شنبه

صفحه

۵

شماره

۲۲۳۰

سال

یست و چهارم

زنگ انشا



ضرب‌المثل‌های جهان

چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی

فارسی

بزرگ بزرگان تاریخ‌ساز

تنهاتر از تنها

سلام بر توای معلمی که قلمت تبر ابراهیم است در شکستن بت جهل و حنجره‌ات مسیح بامدادی است برای دمیدن روح در کالبد مردگان تاریخ و با دستت در دشت سینای کلاسید بیضا می کنی.

سلام بر تو ای معلمی که میراث دار پیامبرانی در رسالت و جانشین اولیایی در امامت. سلام بر تو که چه بخواهی و چه نخواهی و چه بخواهند و چه نخواهند، رهبری و تنویر اندیشه نونهالان و نوجوانان ایران فردا را بر عهده‌داری. سادگی و صفایی که در چشمانت موج می‌زند نشانگر دنیایی از وقار و ابهت و بلندنظری است. تو بزرگ بزرگان تاریخی، سقراط، افلاطون، ارسطو و پورسینا و خواجه نصیر، ادیسون و اینشتین و همه و همه بزرگان دانش و سیاست بشری، در کلاس تو، دست نیاز به سینه نهاده‌اند.



خواجگان همه وامدار توآند. تو بزرگ‌ترینی، هرآینه سفلگان کوچکت پندارند. عصمت از هیمنه نجابت نگاهت به تشخیص و تعین می‌رسد. دنیا بدون تو کالعدم است و با هیچ و پوچ مساوی است. داروندار جهان به دست‌توست و فردا به

سرپنجه تدبیر تو رقم‌زده می‌شود. ای تاریخ، ای سازنده تاریخ، آینده را آن‌گونه بساز که شایسته و درخور تو باشد. حیف است که از ۳۶۵ روز سال فقط یک روز به نام تو نامزد شود، زیرا تنور حیات، بی نفخه گرم‌ت، سرد و خاموش است. پس هرروز، روز تو باشد و روز تو، نوروز و نوروزت قرین پیروزی و خجستگی و سرفرازی باد.

ایدون و ایدون‌تر

آرزو داریم که همه معلمان با خواندن انشاهای دانش‌آموزان در صفحه زنگ انشای روزنامه طلوع، دانش‌آموزان را تشویق و ترغیب کنند تا صدای زنگ انشایشان را گوش‌نوازتر کنند.

این چنین و این‌چنین‌تر باد.

هدایت باقری

گاهی اوقات به اطرافم نگاه می‌کنم و می‌بینم که چقدر تنها هستم! پس این‌همه انسان در کنارم چه کار می‌کنند؟ اگر واقعی هستند، پس دلیل این تنهایی چیست؟ و اگر نیستند، این حجم از صدا که سکوت درونم را می‌شکنند، چیست؟

شاید من اشتباه می‌کنم. شاید باید گاهی به دیگران گوش زد می‌کردم که من چیزی بیشتر از حضورشان می‌خواستم. چیزی بیشتر از صدایشان، چیزی بیشتر از نفسشان و... .

شاید من گرمای دستانشان را می‌خواستم. شاید من افکارشان را می‌خواستم. شاید من احساساتشان را می‌خواستم. شاید من فقط تنهایی را می‌خواستم؛ چون حضور کسانی که حتی صدای طلوع صبح را نمی‌شنوند، به‌شدت آزارم می‌داد.



شاید من بازگشت به دوره کودکی را می‌خواستم. شاید من... می‌ترسم روزی این شاید‌ها، آتش شعله

افکار سوزانم را خاموش کند. می‌خواهم فریاد بزنم که از این تنهایی در اوج شلوغی، بیزارم. حداقل می‌دانم که من، دیوار تنهایی اطرافم را شکسته‌ام. ای کاش:

کمی بیشتر به اطرافمان نگاه کنیم. این آدم‌ها ابدی نیستند. ما هم همین‌طور. تا دیر نشده بیایید تا دست یکدیگر را بگیریم و بگوییم: نگران نباش من هستم. یادت باشد که من همیشه دوستت دارم. «خواهش می‌کنم که دور خودمان دیوار نکشیم»

علی مورکانی،
پایه یازدهم تجربی
مجتمع آموزشی
غیردولتی امام رضا،
ناحیه یک شیراز

آسیب‌های اجتماعی از نگاه من نوجوان

این موضوع برای من خیلی جالب است که چرا از سال گذشته تاکنون موضوع آسیب‌های اجتماعی تا این حد مطرح شده و همه تا این اندازه درباره آن صحبت می‌کنند. خیلی از کارشناسان آسیب‌های اجتماعی را دسته‌بندی کرده‌اند و سعی دارند در غالب فعالیت‌هایی آگاهی نوجوان را در این رابطه بالا ببرند به همین دلیل بارها و بارها کلمه آسیب اجتماعی به گوش ما می‌خورد و مطلب جدیدی برای من یا دوستانم نیست. شاید بررسی این مطلب از نگاه من نوجوان جالب‌تر باشد و اگر کارشناسان به‌جای اینکه با قیافه حق‌به‌جانب خودشان را با اعتمادبه‌نفس کارشناس امور نوجوانان بدانند کمی با دقت پای صحبت ما بنشینند و مشکلات ما را تعبیر اشتباه نکنند به این‌همه برنامه ... نیاز نباشد. آیا تا‌حال‌به این فکر کرده‌اید که چرا هر وقت کلمه آسیب اجتماعی شنیده می‌شود همه از خانواده و کارشناس ... ناخودآگاه به یاد کلمه اعتیاد می‌افتند؟ تنها دلیل این مسئله به نظر من این است که اعتیاد یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های اجتماعی و شناخته‌شده در کشور ماست. هرچند مسئولین کشور و ستاد مبارزه با مواد مخدر تمام سعی خود را در ریشه‌کن کردن این معضل می‌کنند؛ ولی همچنان به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی کشورمان این مشکل رو به افزایش است. اعتیاد از هر نوع شناخته‌شده‌ترین نوع آسیب اجتماعی است. اعتیاد به مشروبات الکلی نیز یکی از معضل اجتماعی است. بعضی‌اوقات احساسات کاذب و حالات روحی نوجوان که متأملانه از طرف خانواده درک نمی‌شود باعث روی آوردن نوجوان به این مسائل می‌شود. نوجوانی که پس از یک بحث خانوادگی شخصیت خود را خورد شده می‌بینند به دنبال آرامش شاید ناخواسته در دام این مسائل بیفتند. گاهی راهنمایی اشتباه دوستان واقعاً نادان نیز باعث درگیر شدن نوجوان می‌شوند. دانش‌آموزی که بعد از یک تمرین ورزشی شدید دچار درد عضلانی می‌شوند به توصیه دوستانش داروهای مسکن استفاده می‌کند این داروها اغلب کدئین، استامینوفن، ترامادول و مورفین هستند در درازمدت باعث اعتیاد به این داروها می‌شود. تحریک دوستان و حس کنجکاوی نسبت به این مسائل نیز باعث می‌شود که نوجوان ناخواسته در دام این مشکل بیفتد.

گرایش به گروه دوستان و گرایش به جنس مخالف نیازی است که شاید هر نوجوان آن را احساس کند و این مسئله نیز به دلیل فرهنگ جامعه ما مخصوصاً برای دخترخانم‌ها معضلات غیرقابل جبرانی به وجود می‌آورد درصورتی‌که به نظر من اگر آگاهی ما نوجوانان در این زمینه‌ها به روش‌های صحیح و اصولی و نه فعالیت‌های احساسی و هیجانی و افراطی



کارشناسان بالا برود تا حد بالایی این معضلات از بین می‌رود. دوستی‌های فضای مجازی نیز مشکل دیگری است که باز به دلیل عدم آگاهی نوجوانان مشکلات زیادی ایجاد می‌کند. نوجوانی در فضای مجازی در دام افراد سوءاستفاده‌گر می‌افتد و بعد مدتی دوستی به دلیل حفظ آبرو و ترس مجبور به تن دادن به خواسته‌های آن‌ها می‌شوند و حتی گاهی مجبور می‌شوند به آن‌ها پول بدهند. آموزش استفاده از فضای مجازی نیز می‌تواند به ما نوجوانان کمک کند تا زمانی که ما نوجوانان به‌دوراز چشم والدینمان وارد گروه‌های مختلف بشویم و بی‌هدف در این فضا پرسه بزنیم به‌احتمال‌زیاد در دام افراد سودجو می‌افتیم. آموزش اعتیاد به پلیس نیز می‌تواند مؤثر باشد. خیلی روراست و بی‌پرده بگویم که خیلی از ما نوجوانان و حتی بزرگ‌ترها برای رفع مشکلاتمان به پلیس اعتماد نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم که با اعتماد به پلیس خودمان را درگیر قانون می‌کنیم.

یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی سرگرمی‌هایی است که ما نوجوانان برای خود دست‌وپا می‌کنیم و به‌قول‌معروف اوقات فراغت خودمان را با این فعالیت‌ها پر می‌کنیم و به نظر خودمان خیلی جالب و خفن است مردم‌آزاری، تک‌چرخ زدن بر روی موتور، حرکات نمایشی با وسایل نقلیه، کشیدن قلیان و تجربه کشیدن سیگار و استفاده از مواد مخدری که شاید اگر ناراحت نشود بگویم گاهی به‌آسانی در دسترس نوجوان قرار می‌گیرد همه و همه باعث آسیب دیدن نوجوان می‌شود. آسیب‌هایی که شاید تجربه بقیه دوره‌های زندگی را از نوجوان می‌گیرد و او را گاهی تا آخر عمر تبدیل به فردی لالایی و معتاد می‌کند.

به نظر من دوستی با افراد ناباب و به لفظ عامیانه خلاف‌کار از تمام آسیب‌ها خطرناک‌تر است و می‌تواند نوجوان را درگیر مسائل پیچیده‌ای بکند. دوستانی که نوجوان را دعوت به سرقت‌های تفریحی و مردم‌آزاری می‌کنند و گاهی در این میان شخصی از بین می‌رود و دوستی‌هایی که

شخص را درگیر روابط کاذب و عمیق احساسی می‌کند و گاهی نوجوانانی پیدا می‌شوند که به دلیل قطع این روابط دست به خودکشی می‌زنند. کاش شما کارشناسان به ما و پدر و مادرمان یاد بدهید که بهترین دوستان یکدیگر هستیم و به ما یاد بدهید که چگونه دوستانی پیدا کنیم ما را به اوج شکوفایی برساند دوستانی که راحت باهم بخندیم و باهم درس بخوانیم و باهم خوش بگذرانیم بدون اینکه درگیر مسائل پیچیده بشویم. کاش به‌جای گفتن کلمه چرا؟ بعد و یا قبل از هر فعالیتی که از ما سر می‌زند دلیل اصلی رفتار را بدون الگوبرداری و به‌صورت منحصر به کشورمان بررسی کنید. کارشناسانی که در بیشتر اوقات در اتاق‌های خود دست‌نیافتنی هستند و در بیشتر موارد من احساس می‌کنم حتی با یک نوجوان صحبت رودررو ندارند و با توجه به آماری که مشخص نیست تا چه حد صحیح است راهکار ارائه می‌دهند. آیا من نوجوان نیاز به راهکار کنترل خشم دارم پس چرا این احساس را ندارم و این راهکارها را درک نمی‌کنم. من نیاز دارم کسی حرف من را بفهمد پدرم می‌گوید: وقتی من هم نوجوان بودم همین سوالا از خودم داشتم اینکه چرا کسی من را درک نمی‌کند؟ اگر واقعاً این سؤال را تمام نسل‌ها به زبان خودشان داشته‌اند، من از شما می‌پرسم چرا نوجوان را درک نمی‌کنید؟ چرا فکر می‌کنید درک کردن نوجوان خیلی مسئله کلی است و باید شاخه بندی شود چرا مسائل را پیچیده می‌کنید؟ چرا آن‌قدر درگیر مشکل و بررسی آن می‌شوید که نوجوانان را فراموش می‌کنید. چرا صداوسیما برنامه‌های جذاب برای ما نوجوانان ندارد تا ما به دیدن فیلم‌های ماهواره گرایش پیدا نکنیم؟ چرا فرهنگ خانواده‌های ما را چنان بالا نبرده‌اید که با توجه به اینکه همه داد سخن می‌دهند که ماهواره تهاجم فرهنگی است بازهم بیشتر خانواده‌ها دل از آن نمی‌کنند؟ چرا الگوهای سینمایی و ورزشی ما این‌همه مشکلات اخلاقی رفتاری دارند و به ما می‌گویند همان کارها را انجام ندهید؟ مگر ما کاری جز همان کارها را انجام می‌دهیم؟ مگر ما همان لباس‌ها را نمی‌پوشیم؟ مگر همان مدل مو را دوست نداریم؟ و...

شاید مشکلات ما نوجوانان این‌قدرها هم پیچیده نیست. پس چرا همیشه نوجوان را در هاله‌ای از مشکلات می‌بینید و راهکاری برای آن ارائه نمی‌دهید.

اگر راهکاری ندارید خودتان را دلگرم نکنید. به حرف‌های من نخندید. من همان‌طور که فکر می‌کنم حرف‌هایم را گفته‌ام.

امیرعباس جوکاری،
دانش آموز پایه هفتم،
مجتمع آموزشی یاسین

درد دلی با خود



که حتی دیالوگ‌های طنز بازیگرانش هم آکنده از غم و اندوه اجتماعی است. مثلاً در سریالی می‌شونیم و می‌بینیم که « نقی ناراحت است از این که بچه‌هایش در قلب

افسوس که نمی‌توانم بسیاری چیزها را بنویسم و فقط می‌توانم این را بگویم که ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که عریان کردن جسم، راحت‌تر از عریان کردن روح و روان است. در خانه دل را باز کردن کار راحتی نیست. مگر می‌شود با هر کسی درد دل کرد؟! کو گوش شنوا و کو دل‌پاک و زلال. از آینه هم می‌ترسم. آینه هم آینه‌های قدیم!

روان شناسان می‌گویند: «اگر انسان نتواند دلش را یکجایی خالی کند، عقده‌ای می‌شود.»

نکند همه ما جوانان عقده‌ای و روانی شده‌ایم و خودمان هم نمی‌فهمیم؟! در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به دلایل عجیب‌وغریبی از برملا کردن چیزهایی که برایمان اهمیت دارند، خجالت می‌کشیم.» در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم

انشای از دوران دانش‌آموزی چارلی چاپلین



با پدرم رفتم سیرک، توی صف خرید بلیت؛ یه زن و شوهر با ۴ تا بچشون جلوی ما بودند.

وقتی به باجه رسیدند و متصدی باجه، قیمت بلیت‌ها رو بهشون اعلام کرد، ناگهان رنگ صورت مرد، تغییر کرد و نگاهی به همسرش انداخت. معلوم بود که پول کافی ندارد و نمی‌دانست چه بکند...

ناگهان پدرم دست در جیبش کرد و یک اسکناس صددلاری بیرون آورد و روی زمین انداخت، سپس خم شد و پول را از زمین برداشت و به شانه مرد زد و گفت: «ببخشید آقا، این پول از جیب شما افتاد.» مرد که متوجه موضوع شده

بود، بهت‌زده به پدرم نگاه کرد و گفت: متشکرم آقا!

مرد شرفینی بود؛ ولی برای اینکه پیش بچه‌هایش شرمندۀ نشود، کمک پدر را پذیرفت.

بعداًزاینکه بچه‌ها به همراه پدر و مادرشان داخل سیرک شدند، ما آهسته از صف خارج شدیم و بدون دیدن سیرک به‌طرف خانه برگشتیم و من در دلم به داشتن چنین پدری افتخار کردم!

«آن زیباترین سیرکی بود که به عمرم نرفته بودم»

ثروتمند زندگی کنیم، به‌جای آنکه ثروتمند بمیریم!

چارلی چاپلین

آگهی فقدان سند مالکیت آقای هادی مرضائی با تسلیم یک برگ استشهاد گواهی شده دفترخانه ۳۶ بهیجان مدعی است که سند ششدانگ پلاک ۵۹۴/۶۴۱/۵۹۴ ۵۶۵۷/۵۶۵۷ بخش یک بهیجان بشماره دفتر ۵۲۹ صفحه ۱۸۳ ثبت ۶۷۷۲۸ به نام هادی مرضائی ثبت صادر و تسلیم گردیده است و برابر سند ۹۱/۱۲/۱۲/۸۹۰۷۴ دفترخانه ۳۶ بهیجان در رهن بانک مسکن می باشد و به علت جابه جایی سند مفقود گردیده لذا به دستور ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می شود که هر کس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد می تواند طرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض خود را با ارائه سند مالکیت به این اداره تسلیم، در غیر این صورت پس از سیری شدن مهلت قانونی و عدم واخواهی سند مالکیت المثنی به نام مالک صادر خواهد شد. ۸/۸۷م الف ۲۶۸۲۰	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاند سند رسمی برابر رأی شماره ۳۸۴.۳۳۰۰۰۳۱۱۰۳۱۱۰۳۱۱۰ مورخ ۹۲/۱۲/۰۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رستم تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی خانم منظر نیکام فرزند نصراله به شماره شناسنامه ۲۱۴۲ صادره از ممسنی نسبت به ۴/۵ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه (۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به موقوفه پوهنری تعلق دارد) به انضمام ۱/۵ دیگر اعیان به مساحت ۳۰۱/۴۱ مترمربع پلاک ۶۳۷ فرعی از ۸۶ اصلی واقع در قطعه ۷ بخش ۷ فارس شهرستان رستم اراضی مشاعی قریه مصیری انتقالی از ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۷ م الف ۲۶۸۴۱/۱۶۲۱۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۰۲/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۰۳/۰۱ سیدعلی عباسیان – رئیس ثبت اسناد و املاک رستم
---	--